ماجرای بابک زنجانی از جنجالی‌ترین پرونده‌های فساد مالی به گفته مسئولان به انتهای خودش نزدیک است
افکارعمومی در سال‌های اخیر چه واکنشی به اخبار فساد اقتصادی داشته است؟

روزی روزگاری ب. ز

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

دی ماه ۹۲ بود که خبر بازداشت یک ابربدهکار بانکی در رسانه‌ها منتشر شد. در روزهای بعد از انتشار این خبر و در حالی که هرکدام از دولت‌ها و گروه‌های سیاسی تلاش می‌کردند طرف مقابل را متهم به قصوری کنند که این فساد مالی در زمان آنها اتفاق افتاده است، سوالی که در ذهن مردم ایجاد شده بود، این بود که چطور این فرد توانسته مبلغی نزدیک به ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار از خزانه بانک مرکزی بگیرد و آن را پس ندهد و اصلا این میزان پول چطور در اختیار او قرار گرفته است. اموالی که حالا و بعد از نزدیک به ۱۰ سال از افشاشدن این ماجرا، در حال بازگشت به بیت‌المال است اما نکته این است که پرونده فساد مالی بابک زنجانی آخرین پرونده فسادمالی کلان در کشور نبود و هنوز بخش زیادی از سوالات افکارعمومی بدون پاسخ باقی مانده است.

چند و چون یک اختلاس نفتی

بابک زنجانی در آن سال‌ها واسطه خرید و فروش نفت ایران در شرایط تحریمی بود و با بانک‌هایی که ذیل تحریم ایران نبودند، معاملات انجام می‌داد. البته زنجانی بخشی از پول‌هایی که به خاطر فروش نفت دریافت می‌کرد را به خزانه برنمی‌گرداند و آن پول‌ها را در شرکت‌های خود سرمایه‌گذاری می‌کرد. زنجانی در صحبت‌های خود گفته بود بعد از سخت‌شدن تحریم‌های ایران، از طریق بانکی در مالزی که او عضو هیات مدیره‌اش بوده و موسسات مالی که در امارات داشته، با بانک‌ها و تجار ایرانی که برای بازکردن ال‌سی و نقل و انتقال پول، دچار مشکل شده بودند، کار می‌کرده و اصطلاحا تحریم‌ها را دور می‌زدند. بعد از این و با بازشدن حسابی در هنگ‌کنگ که زیرمجموعه شرکت ملی نفت بود، زنجانی رسما وارد تجارت نفت ایران می‌شود و قرار بر این می‌شود که از طریق این حساب، نفت تحریم‌شده ایران به فروش برساند و حق‌الزحمه خود را از پول فروش بردارد و بقیه آن را به حساب‌ها منتقل کند. اما بابک زنجانی خیلی بیشتر از آنچه حق‌الزحمه او به شمار می‌رفت از پول‌ها برمی‌داشت و همه پول‌های ناشی از فروش نفت تحریم‌شده را به این حساب باز نمی‌گرداندند. در این مدت شرکت‌های زیادی توسط بابک زنجانی تاسیس شد که به نظر می‌رسید بخش‌هایی از پول‌های نفت به این شرکت‌ها منتقل می‌شد؛ «هلدینگ توسعه سورینت قشم» از جمله شرکت‌هایی است که در سال ۹۰ توسط بابک زنجانی تاسیس شد؛ «اهرم تراک قشم» و «شرکت سرمایه‌گذاری توسعه ساختمان آماج قشم» هم از جمله شرکت‌های بودند که تقریبا در یک بازه زمانی و پشت هم به نام بابک زنجانی تاسیس شده یا نام او در میان اعضای هیات مدیره این شرکت‌ها دیده شده است؛ شرکت‌هایی که بخشی از فسادمالی او با این نام‌ها انجام می‌شده است، با این همه همچنان تاسیس شرکت‌ها ادامه داشته و حتی پای خواهر بابک زنجانی، نیز به تاسیس این شرکت‌ها باز شد؛ بهارک زنجانی نیز از جمله شرکای شرکتی که بابک زنجانی آن را تاسیس کرده بود (صنایع غذایی فراز) دیده می‌شد.

۲ میلیارد دلار ناقابل!

در مورد اینکه میزان بدهی دقیق بابک زنجانی به بانک مرکزی و شرکت نفت چقدر بوده، مسئولان وقت کشور عددهایی را مطرح کردند. جهانگیری، معاون اول دولت روحانی میزان بدهی او را ۲ میلیارد یورو یا ۸ هزار میلیارد تومان اعلام کرده بود. مسعود میرکاظمی، رئیس اسبق کمیسیون انرژی مجلس این میزان را ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار اعلام کرده بود، یوسفیان ملا، عضو ناظر وقت مجلس در ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز این میزان را ۹ هزار میلیارد دلار اعلام کرده بود. با این حال بابک زنجانی خود معتقد بود بدهی او به وزارت نفت تنها یک میلیارد و ۲۰۰ یورو بوده است. نهایتا و برمبنای استنادات موجود مشخص شد میزان بدهی بابک زنجانی و پول اختلاس‌شده، چیزی نزدیک به ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار بوده است.

دروغ‌های ب. ز

نهایتا به خاطر همین بدهی‌ها و عدم برگشت آنها بابک زنجانی در دی ماه ۹۲ بازداشت می‌شود. زنجانی تقریبا نزدیک به ۲۰۹ جلد پرونده اتهامی داشت که هر جلد نزدیک به ۲۰۰ صفحه داشت. بعد از بازداشت او بخشی از اموالش توقیف می‌شوند اما آنچه توقیف شد کفاف پرداخت همه بدهی‌ها را نمی‌داد، از طرفی نیز زنجانی خود حاضر نبود که بدهی خود را پرداخت کند. همین امر نیز منجر شده بود که روند پرونده در این سال‌ها طولانی شود. برای مثال زنجانی مدعی شده بود که در اندونزی بانکی وجود دارد که بخشی از اموال او در این بانک نگهداری می‌شود، اما بعد از سفر هیاتی ایرانی به مالزی و بررسی این موضوع مشخص شد که ادعای او صحت نداشته است. بعد از اینکه بیژن زنگنه، وزیر نفت وقت اعلام کرد زنجانی نزدیک به ۲ میلیارد دلار از پول وزارت نفت را برنگردانده، زنجانی گفت این پول در حساب شرکتی وابسته به وزارت نفت است و بازنگشتن این پول به وزارت نفت ربطی به او ندارد. او در ادامه اظهارات خود و در نامه‌هایی که به مسئولان وقت نوشت، به دنبال اثبات این ادعا بود که مبالغ مورد نظر را به حساب برگردانده است. برای مثال زنجانی در نامه‌ای که سازمان بازرسی کشور نوشته بود، مدعی شده بود که ۲ میلیارد و ۴۶۰ میلیون یورو، از طریق بانکی در روسیه به حساب بانک مرکزی واریز کرده است و اتفاقا ۳۹۰ میلیون یورو اضافه نیز به حساب بانک مرکزی ریخته است که بعد از استعلامات مشخص شد این ادعا، صحت نداشته است.

بازگشت بدهی ۱۰ ساله به خزانه ملی

با همه رفت و برگشت‌ها و کشمکش‌های ۱۰ ساله در این پرونده، روز گذشته، رئیس قوه قضائیه خبر داد که اموال بابک زنجانی در خارج از کشور شناسایی شده و این میزان اموال کفاف بازپرداخت بدهی را می‌دهد. بابک زنجانی در سال ۹۵ در دادگاه محکوم شد، البته این قید نیز ذکر شده بود که درصورتیکه زنجانی اموال را برگرداند، می‌تواند از ارفاقات ذیل ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی، یعنی عفو در صورت ابزار ندامت توبه برخوردار شود. اژه‌ای درمورد مشروح اتهامات زنجانی گفت: «از جمله پرونده‌های نسبتا جنجالی و مهم ما در یک دهه اخیر، پرونده بابک زنجانی بود؛ در سال ۱۳۹۱ ابتدائا گزارشی واصل شد که نامبرده مقدار معتنابهی ارز از بانک مرکزی دریافت کرده و به مقداری که باید مابه‌ازای این ارز را می‌رسانده، نرسانده و غیر از آن، میزانی از آن ارز را در بازار آزاد به فروش رسانده است؛ همچنین در یک بخش دیگر نیز نفت دریافت کرده بود که باید مابه‌ازای آن را برمی‌گرداند، اما از این کار استنکاف کرده است. علی‌ای حال، پرونده مزبور در مجتمع اقتصادی تشکیل شد و سروصدای زیادی هم به پا کرد؛ چراکه مبلغ مورد ادعا، سنگین و بالا بود و جا داشت آن سروصداها ایجاد شود؛ در همان زمان گزارشی از «وزارت نفت» و مرجعی دیگر واصل شد و تقاضای ممنوع‌الخروجی بابک زنجانی مطرح شد؛ سپس، اعلام شد که متهم ادعا کرده اموال را برمی‌گرداند؛ فلذا اموالی را در داخل کشور معرفی کرد که البته آن اموال هم با مشکلاتی مواجه شد از جمله زمین واقع در منطقه ایران‌زمین در شهرک غرب؛ با بررسی‌های صورت‌گرفته معلوم شد که در همان زمین نیز تخلفاتی صورت گرفته است؛ سپس، با بررسی‌های صورت‌گرفته مشخص شد که افرادی از وزارت نفت، ثبت و خود آن طرف و برخی واسطه‌ها درخصوص مصالحه و نقل و انتقال اموال، باز تخلفات و اقدامات مجرمانه‌ای انجام داده‌اند؛ فلذا یک پرونده دیگر هم در این راستا تشکیل شد. علی‌ای حال، پرونده مزبور سنگین شد و در سال ۱۳۹۲ منجر به بازداشت بابک زنجانی شد و معلوم شد که نامبرده قصد مصالحه و پرداخت اموال را ندارد.» اژه‌ای در ادامه به این موضوع اشاره کرد که ما برای بازگرداندن اموال و بدهی اولتیماتوم مشخصی به زنجانی داده و در غیر این صورت حکم قطعی اجرایی خواهد شد، که بعد از آن متهم اعلام آمادگی کرد که حاضر است بدهی را بپردازد و بعد از انتقال اموال و صحت‌سنجی‌ها مشخص شد این میزان کفاف بدهی‌های او را می‌دهد. بعد از این نیز وکیل زنجانی درخواست عفو تخفیف موکل خود را مطرح کرد و باید منتظر بود تا مشخص شود که روند رسیدگی به پرونده زنجانی و محکومیت یا عفو او به چه شکل خواهد بود.

با فسادها مقابله کنید اما بسترهای بروز فساد را هم ببندید

پرداخت بدهی بابک زنجانی و بازگشت این میزان پول به بیت‌المال اگرچه پرونده یکی از بزرگ‌ترین فسادهای مالی اخیر را بست، اما مساله اینجاست که فساد مالی بابک زنجانی اولین فسادمالی بزرگ و دزدی اموال مردم نبوده و واقعیت این است که آخرین آن هم نیست. پیش از به نتیجه رسیدن و پایان این پرونده حالا پرونده فساد مالی دیگری باز شده که رکورد فسادمالی را از بابک زنجانی ربوده است؛ جدای از اینکه تکرر این فسادهای مالی و بزرگ‌تر شدن رقم آن در هر مورد، اعتماد نیمه‌جان مردم را ضعیف‌تر می‌کند و این شائبه را به وجود می‌آورد که از این دست فسادهای مالی به وفور در دستگاه‌ها وجود دارد که هرازچندگاهی برخی از آنها لو می‌رود؛ در مرحله اول اقدامی که لازم است صورت گیرد تا حداقل بخشی از این بی‌اعتمادی ترمیم شود، رسیدگی سریع به این موارد و اعلام دقیق و شفاف ابعاد ماجرا به افکار عمومی است، امری که شاید آن‌طور که باید در ماجرای فساد چای دبش اتفاق نیفتاد و هنوز اذهان عمومی منتظر دریافت پاسخی درباره متهمان این ماجرا هستند. فارغ از این نکته دیگری که مورد توجه قرار دارد این است که تا چه زمانی باید منتظر انتشار اخبار این فسادهای مالی باشیم و بعد این توقع وجود داشته باشد که نهادهای ذی‌ربط و قضایی به اتهامات رسیدگی کنند. تکرار و ادامه این فسادها این گزاره را تقویت می‌کند که نقصی در ساختارهای مدیریتی و اقتصادی وجود دارد که تقریبا در زمان هر دولتی فارغ از گرایشات سیاسی دیده می‌شود. اگرچه دولت‌ها و جناح‌های سیاسی در این میان به دنبال شانه‌خالی کردن از پذیرش وقوع این فساد در زمان فعالیت خود هستند؛ اما مساله را باید بزرگ‌تر و کلان‌تر دید. ادامه و تکرار این فسادها نشان می‌دهد، نقصی در ساختارهای اقتصادی و مدیریتی وجود دارد که بستر بروز این فسادها را فراهم می‌کند. فضای رانتی‌ای که امکان دزدی و اختلاس را به افراد می‌دهد، یکی از این نقص‌هاست. در این بین جای خالی تصمیم‌گیری و سیاستگذاری صحیح برای محدود کردن این بسترها احساس می‌شود، امری که در ادامه نیز امکان بازسازی اعتماد عمومی و جلوگیری از تکرار این فسادهای مالی را فراهم خواهد کرد.

بررسی مراجعان بیمارستانی نشان می‌دهد میزان شیوع آبله‌مرغان امسال نسبت به سال‌های قبل افزایش چشمگیری داشته است

چرا امسال بیشتر آبله‌مرغان گرفتیم؟

علی ملکی
خبرنگار گروه نقد روز

روز گذشته دکتر محمدرضا کشت‌مندی، متخصص اطفال و مدیر بیمارستان کودکان اکبر مشهد اعلام کرد که میزان مراجعه کودکان مبتلا به آبله‌مرغان نسبت به سال گذشته هفت برابر افزایش داشته است. از طرفی گزارش‌ها حکایت از شیوع بیماری مخملک در این شهر دارد. بیماری‌ای که شامل تب طولانی و دانه‌های پوستی است. نگرانی‌هایی از شیوع گسترده‌تر و تهاجمی‌تر این بیماری‌ها شکل گرفت و یکی از مواردی که به‌عنوان علل این اتفاق مطرح شد، حضور پررنگ مهاجران کشورهای همسایه در این شهر مهاجرپذیر بود. مساله‌ای که در سال‌های اخیر تهدیدها و فرصت‌های زیادی را در کشور ایجاد و افکار عمومی را بیش از پیش نسبت به خود حساس کرده است. این موضوعات، پرسش‌ها و واکنش‌هایی را در اذهان عمومی ایجاد کرد که به منظور پاسخ به آنها در گفت‌وگوهای مجزا به بررسی علل آن پرداخته‌ایم.

آیا مهاجران مقصرند؟

نفیسه برهانی، متخصص اطفال جزئیاتی درخصوص چرایی رشد همه‌گیری آبله‌مرغان گفت: «در دو سال گذشته بچه‌ها ماسک می‌زدند و به سبب مجازی شدن مدارس، مواجهه کمتری با یکدیگر داشتند و فعالیت‌ها غیرحضوری بود. در این مدت کودکان از جهت اینکه بخواهند آنتی‌بادی و ایمنی کسب کنند خیلی ضعیف شدند و نتوانستند به خوبی مقاوم شوند. پس از قرنطینه به مدرسه رفتند و با جمعیت زیادی مواجه شدند. از طرفی هم امسال حجم مهاجرت به مشهد خیلی زیاد شده هم از کشورهای دیگر و هم از خود مردم ایران؛ به دلیل اینکه در سال‌های کرونا و دلایل دیگر نتوانسته بودند به مسافرت بروند. شاید یکی از علت‌های شیوع چندبرابری آبله در مشهد، مهاجرپذیری مشهد باشد. فقط کافی است یک نفر از ما در حرم مطهر و دیگر اماکن شهر این ویروس را به بچه‌ها انتقال دهد. سپس اینها هم به مدرسه می‌روند و آن را پخش می‌کنند. مشهد به دلیل زیارتی بودن، در فصول زیارتی حجم مسافر زیارتی زیادی را به خصوص از عراق می‌پذیرد. در حرم خیلی‌ها عامل انتقال این بیماری هستند و شاهد هستیم که مردم درحال سرفه و بیماری و حال بد به حرم می‌آیند و در آن فضای محدود و مسقف قرار می‌گیرند. همین باعث انتقال بیماری می‌شود. البته این انتقال بیماری خیلی هم بد نیست و بالاخره بدن باید آنتی‌بادی کسب کند.»

مخملک هم کنار آبله می‌تازد

برهانی درخصوص شیوع بیماری مخملک گفت: «مورد دیگری که شایع شده بیماری مخملک است و شیوعش معمولا میان کودکان کم است ولی الان در مشهد زیاد شده است. این بیماری شامل گلودرد چرکی هست و برای کسانی اتفاق می‌افتد که قبلا دچار گلودرد چرکی نشده‌اند و بدن‌شان چون آنتی‌بادی ندارد وارد خون می‌شود و در واقع یک‌جور مسمومیت خونی است با آن گلودرد چرکی هم می‌گیرند که هم دوره بیماری طولانی‌تر می‌شود و هم کودکان مقداری بدحال‌تر می‌شوند و هم تب‌شان طولانی‌تر می‌شود و از بدن‌شان بیرون می‌ریزد و دانه‌های پوستی می‌زنند و خیلی خطرناک نیست مگر اینکه به سمت بیماری‌های جدی‌تر پیش برود و هم ریه را درگیر کند و می‌شود روی این بررسی‌هایی انجام شود.»

محمدرضا کشت‌مندی متخصص اطفال و مدیر بیمارستان کودکان اکبر مشهد درمورد نسبت آبله مرغان و کودکان گفت: «بیماری‌های ویروسی در دوران کودکی شایع هستند خصوصا بیماری‌هایی که با بثورات هستند که مخملک و آبله‌مرغان هم جزوش می‌شود. آبله مرغان و مخملک همه‌ساله در خردسالان شایع است و این در روال عادی مشکلی ایجاد نمی‌کند. فقط در برخی موارد یک‌سری عفونت‌هایی به آن اضافه می‌شود که این عفونت‌ها منجر به بستری شدن فرد می‌شود. به‌طور مثال اگر بخواهیم بگوییم فرد صرفا به دلیل آبله مرغان یا مخملک بستری شده صحیح نیست؛ چراکه عوامل مختلفی باعث آن شده است. بیماری آبله‌مرغان در اطفال بیماری شایعی است و در اکثر موارد بدون عارضه است. اما در مواردی که ما امسال دیدیم ویروس به شکل تهاجمی‌تر نمود پیدا کرده بود. مشکلی که هست این است که در خیلی از موارد، بیمارانی که به‌صورت سرپایی و بستری موقت و دائم بودند به دلیل موارد شدید و البته حساسیت پزشکان نیز بود. بیمارستان ما یک بیمارستان فوق‌تخصصی در شرق کشور است و از قسمت‌های مختلف استان‌های همجوار برای ما بیماران اطفال می‌آورند و این آمار صرفا محدود به مشهد نیست. به‌صورت گلوبال ما میزان بستری سال قبل تا امسال را مقایسه کردیم.»

با این ویروس‌ها چه کنیم؟

این پزشک متخصص مواردی را درخصوص نحوه مواجهه با کودکان مبتلا به آبله‌مرغان تشریح کرد: «همان‌طور که گفتم آبله مرغان یک بیماری شایع در اطفال است و معمولا بدون عارضه است؛ اما نکته مهم این است که چطور با این بیماری برخورد شود؟ این بیماری در کودکان زیر دو سال و افراد بزرگسال پرعارضه‌تر و پرسروصداتر است. مواردی که دچار این مشکلات می‌شوند تب و بثوراتی دارند که به آبله‌مرغان شبیه است باید به پزشک مراجعه کنند. پزشک ضمن آنکه درمان‌های رایج را انجام می‌دهد در مواردی که با مشکلات اضافه‌تری مواجه شده باشد درصورت نیاز به بررسی بیشتر و بستری به فیلدهای فوق‌تخصصی ارجاع می‌دهد. بعضی از این مواردی که بستری می‌شوند مربوط به عفونت‌های پوستی است. همان‌طور که می‌دانید خارش یکی از علائم شایع این بیماری است و اگر درمان درستی انجام نشود و داروهایی که بر خارش موثر هستند مصرف نشود، کودک شروع به خاراندن پوست کرده و همین باعث خراش‌های سطحی پوستی می‌شود و اولین سد دفاعی بدن از بین می‌رود و میکروب روی آن سوار شده و باعث می‌شود کودکان عفونت پوستی بگیرند. این عفونت‌ها شاید یکی از مسائلی است که ما روی آن حساس‌تر بودیم و با توجه به اینکه موارد محدودی مشکلاتی ایجاد کرده ما موارد دیگر را با دقت بیشتر مدیریت می‌کردیم که به مشکلات بعدی دچار نشوند. یک قسمتی از آن هم مرتبط با ذات خود میکروب است که تهاجمی‌تر شده و قسمتی از آن نیز مرتبط است با نوع برخوردی که خانواده کودک بیمار با این بیماری دارند، یعنی چون در روال عادی این بیماری راحتی است و با یک تب بر قصد مدیریت بیماری را دارند و در برخی موارد می‌گویند همین ضدخارش‌ها در دچار نشدن با عفونت‌های پوستی موثر است.» دوره نقاهت نیز حتما باید طی شود و در روال عادی اگر این اقدامات صورت بگیرد جای نگرانی وجود نخواهد داشت. مگر اینکه تعدادی از موارد خاص همان‌طور که گفتم افرادی که به هر علتی حساسیت بیش از حد داشته باشند، نوع واکنش‌هایی که این ویروس دارد، موارد زیر دو سال و بزرگسالان ممکن است نیاز به اقدامات تکمیلی دارویی و حتی بستری هم پیدا کنند.»

چرا ۷ برابر بیشتر از سال قبل؟

مدیر بیمارستان فوق تخصصی اکبر مشهد گلوبال بودن این بیمارستان را علتی بر زیادتر بودن مراجعان به آن دانست و درمورد عوامل رشد این بیماری گفت: «قسمتی از آن شاید برگردد به اینکه ما در این دوره موارد شدیدی از عفونت‌های پوستی که به دنبال این بیماری ایجاد شده بود را داشتیم، بنابراین احتیاط بیشتری نسبت به آن داشتیم. عفونت‌های پوستی که سال‌های قبل به آن اهمیت نمی‌دادیم با توجه به واکنش‌هایی که امسال از این ویروس دیدیم تصمیم گرفتیم با وسواس بیشتری با این مقوله برخورد کنیم تا دچار عوارض کمتری شویم. در آماری که ما اعلام کردیم آمار بستری موقت و سرپایی با هم است و همان‌طور که می‌دانید کودکان در اکثر موارد اشتهای خود را نسبت به غذا از دست می‌دهند و همین امر باعث بی‌حالی شده و شدت مریضی بیشتر می‌شود. بستری اینها به دلیل توجه بیشتر به آنها است و اگر نیاز به آنتی‌بیوتیک است به‌صورت تزریقی انجام شود؛ چراکه به همان دلیل بی‌اشتهایی شاید همکاری لازم برای خوردن داروهای موردنیاز نداشته باشند. همان‌طور که گفتم اینجا بزرگ‌ترین مرکز فوق تخصصی اطفال در شرق کشور است و خیلی از بیمارها شاید از جاهای دیگر به صورت ریفرال باشند و ما اینجا به صورت روتین بیمارانی از استان‌های همجوار پذیرش می‌کنیم. این بیماری اکنون تحت کنترل است و مشکل حادی وجود ندارد. اما ما بحث‌های آماری خودمان را داریم. اهمیت آن بیشتر به لحاظ آماری است و اینکه تمهیدات لازم برای مواجهه با آن در سال‌های آینده اندیشیده شود یا اینکه بخواهیم برخی از رفتارها را تصحیح کنیم و اگر لازم باشد آموزش‌هایی داشته باشیم. این آمار برای یک بازه زمانی کوتاه نیست که بگوییم حالت التهاب و بحران است.»

آیا مهاجران باعث شیوع آبله‌اند؟

کشت‌مندی درخصوص موثربودن مهاجران در شیوع هفت برابری این ویروس در مشهد گفت: «سویه ویروس را باید دقیق و علمی مشخص کرده و براساس آن نظر داد. ما هم چون هنوز کاری به آن شکل انجام نداده‌ایم در این مورد نظری نمی‌توان داد. بیمارانی که داریم شامل مدل‌های مختلف از جاهای مختلفی هستند اما اینکه اگر بخواهیم بگوییم این سویه خاصی از فلان جاست خیر؛ من آن را تایید نمی‌کنم و نظری درباره‌اش ندارم. اما اگر قرار بر بررسی باشد اطلاعات آماری ما برای این است مراکزی که در دانشگاه‌ها و مراکزی که در این زمینه‌ها کار می‌کنند در جریان باشند و اگر لازم است اقدامات مربوطه را انجام دهند. ویروس‌شناسی یکی از کارهای دشوار است و اگر شما بخواهید شدت بیماری‌زایی ویروس را به‌صورت مجزا با سویه سال گذشته مقایسه کنید باید نمونه‌های کافی وجود داشته باشد. یک‌سری بحث‌های علمی خاص دارد و نمی‌توان به‌صورت سطحی درباره‌اش صحبت کرد. ما از قسمت‌های مختلف بیمارانی داریم و نمی‌توان گفت این ویروس در بیماران افغانستانی بیشتر بوده و ما چنین چیزی نداشتیم.»